

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان (مورد مطالعه: شهر گرگان)

غلامرضا خوش‌فر^{۱*}
مصطفی باقریان جلودار^۲
شهربانو میرزاخانی^۳
فاطمه جندقی میرمحله^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

چکیده

مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از سنج‌های توسعه سیاسی در جهان، هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود. به‌طوری‌که در سیاست عملی و نظری از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. بر همین اساس هدف این مطالعه، شناسایی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی می‌باشد. به لحاظ روش‌شناسی، این تحقیق از نوع توصیفی است و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی میدانی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان ۱۹ سال به بالای شهرستان گرگان می‌باشد که حجم نمونه‌ای به تعداد ۴۰۷ نفر محاسبه و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بسته پاسخ بوده است که برای تأیید اعتبار آن از اعتبار صوری استفاده شده و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مفاهیم سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی به ترتیب (آلفا $\leq 0/896$ و $0/780$) مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد که میانگین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان به ترتیب $2/674$ و $3/442$ از ۵ می‌باشد که در حد «کم» و «متوسط» ارزیابی می‌شود. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (به‌جز تعامل اجتماعی) با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی می‌توان گفت که در مجموع $9/4$ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی از طریق متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، تعامل اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی.

۱- دانشجویار گروه جامعه‌شناسی و ارتباطات دانشگاه گلستان

۲- مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

۳- کارشناس اجتماعی دفتر تسهیلگری و توسعه محلی، استانداری گلستان، گرگان، ایران.

۴- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: khoshfar@gmail.com

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه و بیان مسئله

مشارکت در لغت به معنای همکاری کردن، شرکت داشتن و شریک شدن است. مشارکت در واقع شرکت داوطلبانه گروهی از مردم در برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی-اجتماعی است که در توسعه ملی نقش اساسی دارند (نیازی، ۱۳۸۱: ۲۸). مشارکت برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آن‌ها برای پاسخگویی به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. در مشارکت حدود دخالت مردم در فرایند تصمیم‌گیری تا آنجاست که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد؛ یعنی اینکه حق مداخله باید موجب حل مشکلات خود و جامعه شود. با این وصف، مشارکت می‌تواند ابزاری برای رونق‌بخشی به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و در نتیجه شتاب دادن به آهنگ توسعه، عدالت اقتصادی و اجتماعی باشد (کلانتری، ۱۳۷۵: ۲۳). در این میان یکی از انواع مشارکت سیاسی که بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی در چهارچوب‌های متعارف و قانونی را یکی از سنجه‌های توسعه سیاسی در کشورهای جهان به شمار آورده‌اند (گن زیر، ۱۳۶۹: ۲۵۱). امروزه متفکران و صاحب‌نظران توسعه، مشارکت را از مهم‌ترین ارکان توسعه به‌شمار می‌آورند و در توسعه سیاسی برای آن اهمیتی دوچندان قائل‌اند. به اعتقاد آنان مشارکت سیاسی از ضرورت‌های جدانشدنی و انکارناپذیر نظام سیاسی در قرن بیست و یک است و اصلی‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی سیاسی، پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی است (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۱). به عبارت دیگر یکی از اساسی‌ترین موضوعات در هر نظام سیاسی، مسئله مشارکت سیاسی شهروندان آن نظام بوده که از عینی‌ترین نمودهای آن می‌توان به مواردی چون حضور و مشارکت در عرصه انتخابات، عضویت در تشکل‌های سیاسی، هواداری از جریان‌های سیاسی و ... اشاره کرد. در دنیای امروز اساس و جهت حرکت نظام‌ها چه در سطح ملی و چه در عرصه بین‌المللی افزایش یافته که این خود پشتوانه‌های عظیم را برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده برای نظام سیاسی و دولت‌مردان آن نظام مهیا می‌سازد. مشارکت سیاسی در سیاست عملی و نظری از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. شکی نیست که برای نیل به توسعه سیاسی باید میزان مشارکت سیاسی مردم افزایش یابد. به نظر ساموئل هانتینگتون^۱ مهم‌ترین کمبود کشورهای در حال توسعه علاوه بر نارسایی‌های اقتصادی، کمبود مشارکت سیاسی است (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۹). در تحقیقات مختلفی که صورت گرفته است،

1. Huntington

سرمایه اجتماعی به منزله یکی از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی، نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای سیاسی و اقتصادی است. زمینه‌های تحقق کارکردهای سرمایه اجتماعی نظیر مشارکت سیاسی و عضویت داوطلبانه در سازمان‌های غیردولتی صرفاً در صورت وجود سرمایه اجتماعی غنی در سطوح فردی و اجتماعی امکان ظهور و بروز می‌یابند؛ بنابراین اطلاع از کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی و نحوه توزیع آن در جامعه و رابطه آن با متغیرهای دیگر، قدرت درک و پیش‌بینی بیشتری نسبت به پدیده‌ها و مسائل اجتماعی را می‌دهد (خوش‌فر، ۱۳۸۷: ۱). اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، یکی از عناصر مهم و محوری رویکردها، رفتارها و نهادهای سیاسی است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را بنیان حکومت‌های مردم‌سالار معرفی کرد. بسیاری از اندیشمندان استدلال می‌کنند که اعتماد اجتماعی باعث حمایت از همکاری‌های اجتماعی می‌شود. رفتارهای جمعی را تسهیل و توجه به منافع عمومی را تشویق می‌کند، بنابراین با عنایت به این نکته که سرمایه اجتماعی در چند سال اخیر توانسته در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی جایگاه بسیار مناسب و رفیعی را کسب کند، به نظر می‌رسد بتواند به‌عنوان متغیری تبیین‌کننده، در بسیاری از موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به رفتارها و فعالیت‌های سیاسی مجموعه افراد جامعه تحرک ببخشد و افراد بی‌بهره از سیاست را در تصمیم‌گیری‌ها و ساماندهی جامعه سهیم کند. به‌علاوه از آنجایی که جامعه ما در طول زمان تحولات اجتماعی بسیاری را تجربه کرده است و به‌نوعی در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن است، بدیهی است که آگاهی و شناخت کافی و وافی از کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی آن هم در این برهه از زمان، بیش‌ازپیش ضرورت پیدا می‌کند. به‌طوری‌که وضعیت سیاسی در یک کشور و در یک تقسیم‌بندی کوچک‌تر (شهر) می‌تواند آگاهی و رفتار سیاسی مردم یک جامعه را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی مشخص کند؛ بنابراین پرسش اساسی تحقیق عبارت است از اینکه: چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد؟ کدام‌یک از ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه عمیق‌تر و قوی‌تری با مشارکت سیاسی دارند؟

۲. پیشینه داخلی

زارع و روهنده (۱۳۹۵) در مطالعه خود با عنوان: «پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)»، به شناسایی رابطه بین دینداری با مشارکت سیاسی پرداختند. این مطالعه، به شیوه پیمایشی بر روی ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر کرج اجرا شد و نتایج آن نشان داد که بین دینداری و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد به طوری که بین ابعاد مناسکی، پیامدی، اعتقادی و تجربی دینداری با مشارکت سیاسی رابطه مثبتی برقرار می‌باشد. همچنین نتایج آزمون ضریب همبستگی چندگانه نشان می‌دهد که همبستگی متوسطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد (زارع و روهنده، ۱۳۹۵: ۲۳). خلفخانی و حیدری (۱۳۹۴) به بررسی «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نهادهای مدرن» پرداخته‌اند. داده‌ها با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرکرد جمع‌آوری شدند. یافته‌های این مقاله نشان دادند که بین اعتماد به نهادها و تأمین منزلت‌های برابر جهت مشارکت در این نهادها ارتباط معناداری دیده نشده و از سوی دیگر، بین افقی و عمودی بودن ساخت سیاسی و ناکارآمد بودن نهادهای سیاسی و مشارکت در این نهادها رابطه معناداری وجود دارد. عابدی اردکانی و قزوی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی»، با استفاده از اطلاعات و اسناد موجود در بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ به این نتیجه رسیدند که اعتماد اجتماعی زنان نسبت به مردان کمتر است، زیرا مردان به منابع هویتی و معرفتی که از مهم‌ترین منابع تولید سرمایه اجتماعی است، دسترسی بیشتری داشته‌اند و همچنین مردان در جایگاه‌های استراتژیکی قرار می‌گیرند که فرصت‌های بیشتری برای برخورد و برقراری ارتباط با دایره گسترده‌تری از افراد در اختیارشان می‌گذارد و نتیجه نهایی اینکه زنان در جامعه امروز در مقایسه با مردان دسترسی کمتری به سرمایه‌های اجتماعی داشته‌اند و بر اثر این ویژگی، مشارکت سیاسی کمتری نیز از خود نشان داده‌اند. سبزه‌ای و رحیمی (۱۳۹۲) در مطالعه خود تحت عنوان «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بین شهروندان نورآباد دلفان لرستان»، به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی پرداخته‌اند. این مطالعه به روش پیمایش در میان ۳۵۶ نفر از شهروندان شهر نورآباد دلفان اجرا شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان داد که بین اعتماد نهادی و اعتماد فردی با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، اعتماد نهادی بیشترین میزان تأثیر بر مشارکت اجتماعی را

داشته است (سبزه‌ای و رحیمی، ۱۳۹۲: ۷۱). امام جمعه‌زاده، رهبر قاضی، عیسی‌نژاد و مرندي (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه اصفهان» به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. این مطالعه بر روی ۱۸۸ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. بر این اساس سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) و مشارکت سیاسی با دو وجه یعنی عوامل روان‌شناختی - نگرشی و شیوه مشارکت (رسمی و غیررسمی) در نظر گرفته شده است؛ و نتایج گویای این نکته است که در بعد مشارکت سیاسی، مشارکت ذهنی - روان‌شناختی، تنها اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی همبستگی معناداری داشته است. امام جمعه‌زاده و مرندي (۱۳۹۱) به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان دختر در دانشگاه فردوسی مشهد پرداخته‌اند. روش تحقیق پژوهش در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایش است. این مطالعه بر روی ۲۸۸ نفر از دانشجویان صورت گرفته و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. در این مقاله با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های داوطلبانه) به همراه در نظر گرفتن پنج وجه از مشارکت سیاسی، یافته‌ها نشان داد که انجمن‌های داوطلبانه بیشترین همبستگی را با متغیرهای ارتباط و رأی دادن دارد و در مجموع رابطه سرمایه اجتماعی با تمام ابعاد مشارکت سیاسی معنی‌دار است. نتایج فوق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی زنان که از منابع موجود در گروه‌های اجتماعی مرتبط با آنان و گستردگی شبکه روابط اجتماعی حکایت دارد، بر میزان روی آوردن ایشان به فعالیت‌های سیاسی مؤثر است. موحد، عنایت و پورنعمت (۱۳۸۷) به بررسی رابطه مشارکت سیاسی زنان با سرمایه اجتماعی آنان پرداخته‌اند. این تحقیق از طریق روش پیمایش و با استفاده پرسشنامه بر روی ۳۸۹ نفر از زنان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر شیراز، در دو گروه شاغل و خانه‌دار صورت گرفته است. در این تحقیق سرمایه اجتماعی به چهار بعد و در دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی نگرش نسبت به مشارکت و شیوه مشارکت مشاهده می‌شود، سرمایه اجتماعی زنان که حکایت از منابع موجود در گروه‌های اجتماعی مرتبط با آنان و گستردگی شبکه روابط اجتماعی دارد، بر میزان روی آوردن ایشان به فعالیت‌های سیاسی مؤثر است. نکته قابل توجه اینجاست که همبستگی منفی میان

ابعاد متفاوت سرمایه اجتماعی با نگرش نسبت به مشارکت سیاسی به دست آمده است؛ این در حالی است که زنان پاسخگو در عمل مشارکت سیاسی داشته‌اند.

۳. پیشینه خارجی

کووالسکی^۱ و همکاران (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان نحوه مشارکت در سراسر محدوده زندگی به بررسی انتخابات نه کشور آمریکایی پرداخته است و نشان می‌دهد که بین سن و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. پایین‌ترین میزان مشارکت در بین جوانان، بالاترین آن در میان میانسالان بوده؛ همچنین میزان مشارکت سالخوردگان تا حدودی پایین‌تر از میزان مشارکت میانسالان بوده است. آن‌ها میزان مشارکت پایین جوانان را موجب بروز مشکلاتی می‌دانند. به نظر آن‌ها، عامل‌هایی مانند تحصیلات، یافتن همسر و شغل باعث می‌شود که جوانان از مشارکت سیاسی دوری کنند و هنگامی که جوانان بزرگ‌تر می‌شوند، میزان مشارکت آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. تیمبرلیک^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و جنسیت در محیط کار به این پدیده پرداخته و دریافته است که مفهوم سرمایه اجتماعی پیوندی نزدیک با محیط کار دارد و چه‌بسا اهمیت بیشتری از سرمایه انسانی در دستیابی به منافع انسانی داشته باشد. از این‌رو بر آن است که شبکه‌ها و سرمایه اجتماعی هم برای زنان و هم برای مردان اهمیت دارد، ولی روش‌های مردان و زنان برای دسترسی به این سرمایه و اندازه‌ی بهره‌برداری آنان یکسان نیست. از این‌رو، نابرابری سرمایه اجتماعی فرصت اندکی برای زنان در ارتقای شغلی پدید می‌آورد و این مسئله هم برای زنان و هم برای سازمانی که در آن کار می‌کنند، زیان‌بار است.

رایس و لینگ^۳ (۲۰۰۲) رابطه بین سرمایه اجتماعی، دموکراسی و پیشرفت اقتصادی را در یازده کشور اروپایی و آمریکایی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان بر این اعتقادند که دموکراسی و پیشرفت اقتصادی و فرهنگ به‌گونه‌ای علی به یکدیگر مربوط‌اند. آنان بر ماندگاری و دوام سرمایه اجتماعی تأکید دارند و معتقدند سرمایه اجتماعی اثرات انکارناپذیری بر دموکراسی و پیشرفت اقتصادی دارد. رایس و لینگ با استفاده از داده‌های پیمایش‌های جهانی ارزش‌ها نشان دادند که سرمایه اجتماعی با دوام و قابل‌انتقال است.

1. Kowalski
2. Timberlik
3. Rice and Ling

همچنین در این پژوهش تأیید گردید که سرمایه اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم پیش‌بینی‌کننده دموکراسی در ۱۱ کشور مورد بررسی است. مطالعه ایستر فاجس^۱ و همکاران (۲۰۰۱) یکی از مدل‌های اساسی مطالعه مشارکت سیاسی برحسب سرمایه اجتماعی است که در شهر نیویورک مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای تبیین‌کننده مشارکت سیاسی در این مدل تحت عنوان سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی نامیده شده‌اند. برای سنجش سرمایه سیاسی در این مطالعه از شاخص‌هایی چون عضویت در سازمان‌های سیاسی، گروه‌های مدنی و قومی، گروه‌های حرفه‌ای، اهمیت شهروندی، عضویت در اتحادیه‌ها، شبکه‌های شخصی از خانواده، دوستان و همکاران و فراوانی بحث سیاسی با دیگران استفاده شده است. ویژگی‌های شخصی به تفاوت‌های مهم بین افراد مربوط می‌شود که عبارتند از: جنسیت، سن، درآمد، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی و گروه قومی. این متغیرهای زمینه‌ای یا جمعیت‌شناختی به‌عنوان متغیرهای کنترل وارد تحلیل می‌شوند تا در برآورد اثرات سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی بر مشارکت سیاسی، از ایجاد رابطه کاذب جلوگیری شود. در این تحقیق اثرات سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی به‌طور مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تاکاشی اینوگوچی^۲ (۲۰۰۰) اشاره دارد که در سال‌های اخیر دو تز عمده در مورد سرمایه اجتماعی مطرح شده است: پاتنام در سال (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را در حوزه دموکراسی به کار برد و از سویی فوکویاما (۱۳۷۹) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان عامل مسلم شکوفایی و رونق معرفی کرده و ژاپن را به‌عنوان یک مصداق مهم در این خصوص در نظر می‌گیرد. او به دنبال آن است که چه عواملی باعث شد که ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم به‌سرعت مسیرهای پیشرفت را طی کند. او در این مورد با هدف بررسی رشد سرمایه اجتماعی در ژاپن کار خود را آغاز می‌کند، سؤالات اصلی او این است که: اشکال، کمیت، کیفیت و توزیع سرمایه اجتماعی چگونه است؟ و اینکه چگونه می‌توان تغییر در سرمایه اجتماعی را توصیف کرد؟ او همچنین تأثیر عوامل مختلف را بر مشارکت و اعتماد اجتماعی در جامعه ژاپن بررسی می‌کند. تلاش محقق بر آن است تا ماهیت و جهت سرمایه اجتماعی در نظم ژاپن و آینده فرهنگ سیاسی این کشور را خاطر نشان سازد.

1. ester fachs

2. Inoguchi

۴. چارچوب نظری

با علم به اینکه در بررسی هر واقعیت اجتماعی، نظریه واحدی نمی‌تواند تمامی ابعاد مسئله را به‌خوبی تبیین کند و هر یک از نظریه‌ها و یا رویکردهای نظری می‌توانند یک بعد خاص یا حداکثر ابعاد خاصی از مسئله را تبیین کنند، لذا در این قسمت با توجه به نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری که به‌طور مبسوط مورد بررسی قرار گرفتند و همچنین با عنایت به منابع تجربی که مرور گردید، تلاش می‌گردد تا چارچوب نظری منسجمی بر اساس مفاهیم و متغیرهای اصلی پژوهش فراهم شود. از آنجا که متغیر وابسته این تحقیق مشارکت سیاسی می‌باشد، لذا لازم است ابتدا درباره چگونگی تبیین مشارکت سیاسی بحث گردد. درباره تبیین مشارکت سیاسی، به نظر میلبرات و گوپل مشارکت بسته به چهار عامل مهم تغییر می‌کند: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. به این عوامل باید مهارت‌ها، منابع و تعهد را نیز افزود. برای مثال هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی به‌صورت بحث درباره سیاست، تعلق به سازمانی که، به شکلی به فعالیت سیاسی می‌پردازد یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوط قرار داشته باشد، احتمال مشارکت سیاسی بیشتر است. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در مشارکت تأثیر می‌گذارند. محیط یا زمینه سیاسی نیز مهم است از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و شکل یا شکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌گردد، تشویق کند یا برعکس مشوق مشارکت نباشد؛ بنابراین «قواعد بازی» مانند حق رأی در انتخابات، فراوانی انتخابات، تعداد مقامات سیاسی مورد انتخاب، نگرش‌ها نسبت به اجتماعات و تظاهرات خیابانی و دامنه و ماهیت احزاب سیاسی و گروه‌های فشار، همه متغیرهای مهمی هستند (راش، ۱۳۸۱: ۱۳۵). باوجوداین، در نظر گرفتن مهارت‌هایی که فرد دارد و منابع در دسترس او نیز مهم است. مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های تحلیلی، توانایی سازمانی، مهارت‌های سخنوری همه ممکن است مشارکت را افزایش دهند، اما فعالیت نیازمند منابع نیز هست، به‌ویژه وقت و اغلب پول، یا مستقیماً به‌صورت تعهد مالی و کمک‌های اهدایی یا به‌طور غیرمستقیم به‌صورت اختصاص دادن وقت یا کمک جنسی. همچنین ممکن است منابع شکل ملاقات و رابطه با افراد دیگر و نیز نفوذ و قدرتی را به خود بگیرد که از این‌گونه ملاقات‌ها و روابط ناشی می‌شود. در اکثر موارد، این امر بیش از هر امری سؤال‌هایی را درباره تبیین مشارکت سیاسی مطرح می‌کند (راش، ۱۳۸۱: ۱۳۶)؛ بنابراین اگر به متغیرها و عواملی که راش آن‌ها را در تغییرات مشارکت

سیاسی مؤثر می‌داند خوب دقت کنیم درمی‌یابیم که بسیاری از متغیرها و عوامل مذکور، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به سرمایه اجتماعی مربوط می‌گردند. موقعیت اجتماعی که به‌عنوان یکی از چهار عامل اصلی تبیین مشارکت سیاسی قید شده است، کاملاً با مفهوم سرمایه اجتماعی نزدیکی دارد. موقعیت اجتماعی فرد از طریق رابطه وی با دیگران مشخص می‌شود و این رابطه یکی از مهم‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی است. در واقع شبکه‌های روابط اجتماعی مورد تأکید پاتنام و نظریه‌پردازان سرمایه شبکه‌ای (نظیر لین)، یک بعد مهم سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. دسترسی به منابع نیز آن‌چنان که کلمن اشاره می‌کند مهم‌ترین عامل تعیین کنش‌های اجتماعی است. صرف وقت و پول به‌عنوان هنجارهای همیاری و معامله به مثل می‌باشند که در سنجش سرمایه اجتماعی از گویه‌های بسیار معتبر به شمار می‌روند. مهارت‌های اجتماعی نیز شاخصی از سرمایه انسانی به شمار می‌روند که در ارتباط با سرمایه اجتماعی بوده و با تأثیر متقابل در یکدیگر عامل قدرتمندی در تعیین کنش‌های اجتماعی هستند. سرمایه انسانی در واقع با تغییر دادن افراد برای دادن مهارت‌ها و توانایی‌ها به آن‌ها پدید می‌آید و افراد را توانا می‌سازد تا به شیوه‌ای جدید رفتار کنند. دسترسی به اطلاعات سیاسی آن‌چنان که کلمن معتقد است، یک شکل مهم سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود و جزء ذاتی جدایی‌ناپذیری از روابط اجتماعی است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۴). ویژگی‌های شخصی افراد به معنی‌دارا بودن شخصیت اجتماعی در مشارکت سیاسی فعال آن‌ها تأثیرگذار است. بر اساس نظرات آلموند و وربا افراد دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی از طریق فرایند جامعه‌پذیری این فرهنگ را درونی نموده و دارای شخصیت اجتماعی غیرتابع هستند. این دسته از افراد از طریق درونی کردن الگوهای مشارکت قوی سه نهاد اجتماعی عمده یعنی خانواده، مدرسه و شغل که ازجمله منابع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند، در مراحل بعدی زندگی نیز مشارکت سیاسی بیشتری خواهند داشت و جامعه مربوطه در سطح کلان از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود (میلبرات و گویل، ۱۹۷۷: ۵۷-۶۱).

با توجه به آنچه گذشت، در این تحقیق با استفاده از نظرات لین در سطح خرد؛ پاتنام در سطح کلان و بوردیو در سطح خرد و کلان (تلفیقی) تلاش می‌شود تا چارچوبی ترکیبی تهیه و تنظیم گردد تا بتوان در پرتو آن به مشاهده واقعیت پرداخت. بر خی از اظهارات کلیدی در این خصوص که می‌تواند برای تدوین چارچوب نظری و ارائه مدل فرضی و همچنین فرضیات تحقیق سودمند باشد به شرح زیر است:

لین سرمایه اجتماعی را از سه جز، منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این گونه منابع و استفاده از این گونه منابع در کنش‌های هدفمند معرفی می‌کند (لین، ۱۹۹۹: ۷). در رابطه با موقعیت‌های شبکه‌ای می‌گوید: موقعیت‌های شبکه‌ای می‌بایست دسترسی به منابع نهفته را بهتر تسهیل کنند؛ اما اینکه چه نوع موقعیت‌های شبکه‌ای، منابع را برای دستیابی مشخص می‌کنند به نوع منافع مورد انتظار فرد بستگی دارد. به عقیده لین منابع ارزشمند در بیشتر جوامع شامل ثروت، قدرت و پایگاه‌های اجتماعی می‌باشند و سرمایه اجتماعی افراد بر حسب میزان و تنوع ویژگی‌های کسانی که فرد با آن‌ها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد بررسی می‌شود. به اعتقاد پاتنام «سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید» (پاتنام، ۱۹۹۹: ۶). پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه، به‌عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که عبارتند از:

الف) شبکه‌ها: روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی است (پاتنام و گاس، ۲۰۰۱: ۶).

ب) هنجارهای همیاری: او در تعریف هنجارهای همیاری به دو نوع مبادله به مثل، یعنی مبادله به مثل متقابل^۱ و مبادله به مثل تعمیم‌یافته^۲ اشاره می‌نماید. در نوع متقابل با مبادله هم‌زمان چیزهایی با ارزش برابر، مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلشان را با هم عوض می‌کنند، مواجه هستیم؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، در نوع تعمیم‌یافته، رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک‌طرفه و غیر متقابل است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند، مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده باید در آینده بازپرداخت گردد (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۹۴).

ج) اعتماد: پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد^۳ به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم‌یافته^۴ نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۹۳). پاتنام

-
1. Balanced Reciprocity
 2. Generalized Reciprocity
 3. Radius of Trust
 4. Generalized Trust

افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۱۳۷).

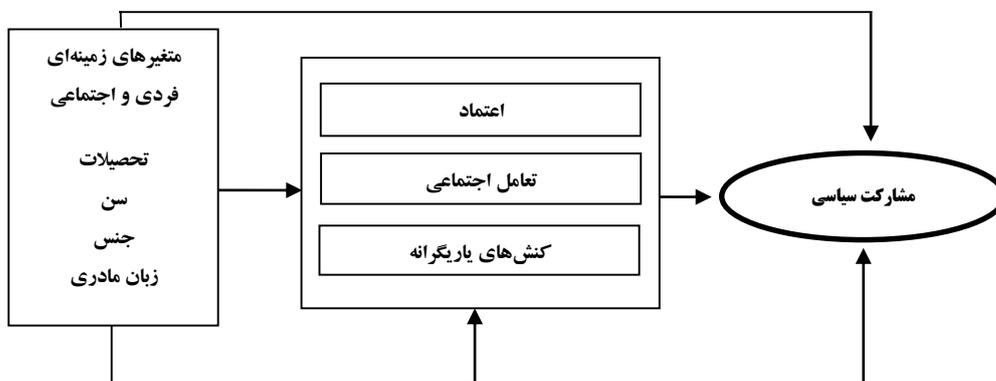
بنابراین بورديو سرمایه اجتماعی را به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته است که بر ساختار فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به طریق اولی در تعیین کنش‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر باشد (بورديو، ۱۳۸۱: ۴۸). سرمایه اجتماعی از طریق الگوهای ساختمند از تعامل اجتماعی ایجاد می‌شود و پیامدهای آن برای افراد بایستی با لحاظ نمودن این الگوهای تعامل محاسبه شود. به‌علاوه، پیامدهای این الگوهای تعامل به‌منظور تعیین دقیق روابط بین سرمایه انسانی و مشارکت سیاسی و پیامدهای مشارکت سازمانی برای فعالیت سیاسی از اهمیت بسزایی برخوردار است (Lake and Huckfeldt, 1988).

براساس اظهار کلمن (1987, 1988) که بیان می‌دارد سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های خاص در جامعه می‌شود، شهروندانی که به لحاظ سیاسی بیشتر درگیر هستند (مشارکت دارند)، کنش‌های سیاسی بیشتری خواهند داشت (Lake and Huckfeldt, 1988: 578). افرادی که به گروه ملحق می‌شوند مهارت‌هایی در آن‌ها به منصفه ظهور می‌رسد که آن‌ها را نسبت به مشارکت در طیف وسیعی از فعالیت‌های سیاسی راغب‌تر می‌کند (Colman, 1988; Verba et al., 1995)؛ بنابراین سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل کنش‌های خاص و پرورش مهارت‌هایی در افراد جامعه بر رونق و افزایش مشارکت سیاسی مؤثر می‌باشد. «افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان را، به مشارکت سیاسی بیشتر از طریق مشارکت آن‌ها در دامنه وسیعی از فعالیت‌های سیاسی سنتی، تشویق می‌کند.» «زمانی که تجربه سیاسی در درون شبکه‌ها افزایش می‌یابد، مشارکت افراد در سیاست نیز افزایش می‌یابد» (Lake and Huckfeldt, 1988).

حال با عنایت به اینکه از یک طرف نظریه کلمن به نمایندگی از رهیافت نظریه‌های موقعیتی کارکردگرا (با تأکید بر وجه تلفیقی سطوح خرد و کلان) که معتقد به تفاوت تأثیر سرمایه اجتماعی از یک موقعیت یا فرد به موقعیت یا فرد دیگر هستند، با تکیه بر انواع اصلی سرمایه اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاعاتی و هنجارهای اجتماعی و از طرف دیگر نظریه پاتنام (با تأکید بر وجه ساختاری در سطح کلان) مبنی بر اینکه شبکه‌های اجتماعی بیشتر، مردم را به همکاری و اعتمادپذیری در برخوردهایشان تشویق می‌کنند با تکیه بر انواع اصلی سرمایه اجتماعی شامل سرمایه اجتماعی شناختی (انواع اعتماد) و ساختاری (شبکه‌های روابط و کنش‌های یاری‌گرانه) و با ملحوظ نمودن نظریه‌های

ساختارگرایانه و جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در این مدل که بر فرآیندهای اجتماعی - اقتصادی، نهادهای خانوادگی، منزلت، نظام تعلیم و تربیت و در مجموع بر ساختارهای جامعه در سطح کلان و میانه تأکید می‌شود (مانند نظریه عوامل اقتصادی-اجتماعی لیپست، نظریه انگیزش سیاسی و پایگاه اجتماعی میلبراث و گوپل، نظریه اعتماد سیاسی رابرت دال و...)، می‌توان مدل نظری این مطالعه را تدوین و تنظیم نمود.

۵. مدل مفهومی



فرضیات تحقیق

- بین تعامل اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.
- زنان و مردان از مشارکت سیاسی متفاوتی برخوردارند.
- بین تحصیلات و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.
- مشارکت سیاسی افراد بر حسب زبان مادری، متفاوت است.

۶. روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ نوع روش تحقیق پیمایشی است. واحد تحلیل در این تحقیق، فرد پاسخ‌گو است و سطح تحلیل نیز خرد می‌باشد. همچنین از حیث وسعت

و معیار ژرفایی، جزء تحقیقات پهنانگر و از نظر زمانی، یک بررسی مقطعی است که در شش ماهه اول ۱۳۹۵ انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان ۱۹ سال به بالای شهرستان گرگان می‌باشد که به دلیل وسعت جامعه، حجم نمونه‌ای به تعداد ۳۸۱ نفر محاسبه و مورد مطالعه قرار گرفت. لکن برای اطمینان بیشتر و افزایش ضریب اطمینان، نمونه‌های آماری به ۴۱۰ نفر ارتقاء داده شد و در نهایت پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های متعلق به ۴۰۷ نفر مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت.

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها در قسمت سرمایه اجتماعی، پرسشنامه محقق ساخته است. پرسشنامه مذکور براساس هدف‌های پژوهش و به‌وسیله شاخص سازی برای مفاهیم ساخته شده در ۵۹ سؤال تنظیم گردیده است. سرمایه اجتماعی در این تحقیق دارای سه بعد تعامل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی بوده که برای هر کدام از ابعاد مذکور با طراحی گویه‌های مستقل در قالب طیف لیکرت مورد توجه قرار گرفت. تعامل اجتماعی کنشی است که افراد از طریق آن، با دیگران به گونه ذهنی کنش برقرار می‌کنند (چارون، ۱۹۸۵؛ به نقل از ریتزر، ۱۳۹۰: ۲۸۶). برای سنجش این مفهوم، گویه‌هایی نظیر میزان روابط و احساس نزدیکی با بستگان و فامیل، دوستان، همسایگان، هم‌محله‌ای‌ها و ... طراحی گردیده است. مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، به معنی سهمی در چیزی داشتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین، با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۷۰: ۹۷). برای سنجش مفهوم مشارکت اجتماعی که شامل دو بعد مشارکت رسمی و مشارکت غیررسمی می‌باشد، گویه‌هایی همچون میزان مشارکت و عضویت در گروه‌های انجمن علمی، هیئت‌های مذهبی، خیریه، گروه‌های ورزشی و ... برای مشارکت رسمی و گویه‌های کمک به افراد سالمند و معلول، کمک به همسایه‌ها، برپایی مراسم مذهبی، خیرات و... برای مشارکت غیررسمی در نظر گرفته شده است. اعتماد نیز از دیگر مفاهیم کلیدی در نظریه سرمایه اجتماعی است و تعریف آن عبارت است از تمایل فرد به قبول خطر در رفتار با دیگران. این تمایل مبتنی بر حسن اطمینان است که براساس آن، دیگران به‌گونه‌ای رفتار خواهند کرد که از آن‌ها انتظار می‌رود (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۵۰). در این تحقیق، اعتماد از سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی تشکیل شده است؛ که گویه‌هایی نظیر اعتماد به افراد خانواده، بستگان و فامیل، دوستان و... برای اعتماد بین شخصی؛ گویه‌های اعتماد به رانندگان، کسبه بازار، نمایندگان مجلس، مطبوعات و روزنامه‌ها و ... برای اعتماد نهادی؛ و در نهایت، گویه‌هایی همچون میزان

اعتقاد به اینکه اکثریت مردم صادقند و می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد، برای اعتماد اجتماعی طراحی شده است.

۱- متغیر وابسته تحقیق حاضر «مشارکت سیاسی» می‌باشد که به‌زعم وینر^۱ هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی و یا ملی است. جهت سنجش متغیر فوق از یک پرسشنامه محقق ساخته در قالب طیف لیکرت بهره‌گیری شده است. این مفهوم متشکل از دو بُعد مشارکت فعال و رفتار انتخاباتی که به ترتیب با لحاظ نمودن ۹ و ۵ گویه، عملیاتی می‌گردند. برای سنجش این مفهوم، از گویه‌هایی نظیر داشتن پست سیاسی رسمی یا اجرایی بالا؛ عضویت انفعالی در یک سازمان رسمی سیاسی؛ ارتباط مستقیم (شفاهی یا کتبی) و یا غیرمستقیم (از طریق رسانه‌های جمعی) با مسئولان؛ شرکت در فعالیت‌های انتخاباتی؛ عضویت فعال در یک سازمان رسمی سیاسی و ... استفاده شده است. برای تعیین اعتبار شاخص‌ها و گویه‌ها در این پژوهش از اعتبار و جهت تعیین پایایی^۲ ابزار تحقیق، ابتدا در یک مطالعه مقدماتی، پرسشنامه‌ها در فاصله زمانی دو هفته بین ۳۰ نفر از پاسخگویان توزیع و پس از احراز پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. میزان ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده در مطالعه اولیه، برای دو سازه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی به ترتیب ۰/۸۹۶ و ۰/۷۸۰ به دست آمد که بیانگر پایایی ابزار و هم‌نوایی گویه‌ها می‌باشد. داده‌های موردنیاز پس از پردازش استخراج و کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار spss مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت. در این راستا برای توصیف داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و شاخص‌های گرایش به مرکز مانند میانگین استفاده شد. همچنین برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آمار استنباطی متناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده گردید.

۷. یافته‌های توصیفی

اطلاعات توصیفی حاکی از آن است که ساختار جنسی نمونه‌های مورد را ۵۰/۴ درصد مردان و ۴۹/۶ درصد زنان تشکیل می‌دهند. به‌طوری‌که از این مقدار ۳۶/۴ درصد نمونه‌ها در بازه

1. Viner

2. Reliability

سنی ۲۰-۲۹ سال، ۲۲/۹ درصد در بازه سنی ۳۰-۳۹ سال، ۱۶/۲ درصد در بازه سنی ۴۰-۴۹ سال، ۱۴/۷ درصد در بازه سنی ۵۰-۵۹ و تنها ۹/۸ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه را سنین ۶۰ به بالا تشکیل داده که میانگین سنی آن‌ها به‌طور متوسط ۳۸ است. به لحاظ سطح تحصیلات می‌توان بیان نمود که ۴۷/۲ درصد زیر دیپلم، ۱۸/۲ درصد در مقطع دیپلم و ۳۴/۶ درصد آنان سطح تحصیلات خود را بالاتر از دیپلم گزارش کردند. با توجه به میانگین ۱/۸۷ به دست آمده می‌توان گفت که سطح تحصیلات اکثریت قریب به اتفاق نمونه‌ها زیر دیپلم و به زبان مادری فارسی تکلم می‌کنند. بدین ترتیب که گویش مادری ۱/۲ درصد از پاسخگویان آذری، ۳/۴ درصد بلوچی، ۱۶/۵ درصد ترکمنی، ۹/۶ درصد سیستانی، ۵۹ درصد فارسی و ۱۰/۳ درصد گویش مادری خود را چیزی غیر از موارد ذکر شده دانسته‌اند. در جدول ذیل مقادیر مربوط به هر یک از متغیرهای زمینه‌ای به‌طور شفاف منعکس گردیده است.

جدول ۱: مقادیر مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی

مقادیر	گزینه‌ها	متغیر
۴۹/۶ درصد	زن	جنسیت
۵۰/۴ درصد	مرد	
۴۷/۲ درصد	زیر دیپلم	وضعیت تحصیلات
۱۸/۲ درصد	دیپلم	
۳۴/۶ درصد	بالاتر از دیپلم	
۳۶/۴ درصد	سال ۲۰-۲۹	سن
۲۲/۹ درصد	سال ۳۰-۳۹	
۱۶/۲ درصد	سال ۴۰-۴۹	
۱۴/۷ درصد	سال ۵۰-۵۹	
۹/۸ درصد	۶۰ سال به بالا	
۱/۲ درصد	آذری	زبان مادری
۳/۴ درصد	بلوچی	
۱۶/۵ درصد	ترکمنی	
۹/۶ درصد	سیستانی	
۵۹ درصد	فارسی	
۱۰/۳ درصد	سایر	

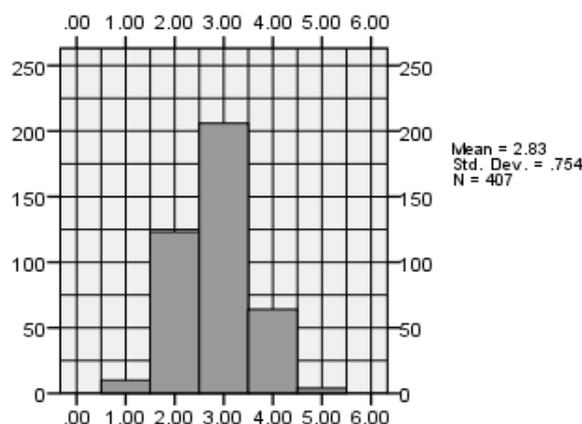
نگاهی به توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

در این قسمت ابتدا وضعیت سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان بررسی شده است. در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات پاسخگویان در خرده مقیاس‌ها و نیز کل آزمون نشان داده شده است.

جدول ۲: مقادیر مربوط به مفهوم اصلی تحقیق

انحراف معیار	میانگین	ابعاد
۰/۵۱۹۹۸	۲/۷۴۲	اعتماد اجتماعی
۰/۵۶۸۷۵	۲/۴۴۶	مشارکت اجتماعی
۰/۶۱۴۲۶	۳/۴۸۰	تعاملات اجتماعی
۰/۴۴۵۰۱	۲/۶۷۴	سرمایه اجتماعی
۱/۶۷۴۷۸	۳/۵۵۳	مشارکت فعال
۰/۲۷۰۶۹	۰/۸۸۷	رفتار انتخاباتی
۰/۷۵۴۵۹	۲/۸۳۴	مشارکت سیاسی

طبق جدول ۲ نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌های سرمایه اجتماعی و ابعاد آن نشان داد که بعد تعاملات اجتماعی با میانگینی بالاتر از میانگین فرضی در رتبه اول و دو مؤلفه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی با کسب میانگینی کمتر از حد انتظار در مراتب بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. همچنین ترکیب مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که این مفهوم به‌طور متوسط ۳/۱۴ از ۵ به دست آمده است که در حد متوسطی می‌باشد. مشارکت سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق که نتایج آن در جدول ۲ آمده است، به‌طور متوسط این مفهوم دارای میانگینی برابر با ۲/۴۲۴ از ۵ را به خود اختصاص داده است که بیانگر حد پایین این سازه می‌باشد. نتایج توصیفی ابعاد مشارکت سیاسی بدین گونه بود که میانگین مشارکت فعال بالاتر از میانگین رفتار انتخاباتی و حتی مشارکت کل است. به‌طوری‌که در بعد رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی کل شاهد میانگینی پایین‌تر از حد انتظار ۳ می‌باشیم که گویای ضعیف بودن و پایین بودن وضعیت سازه مشارکت سیاسی و بعد رفتار انتخاباتی در میان شهروندان است.



شکل ۱: توزیع فراوانی مشارکت سیاسی

یافته‌های تحلیلی

همان‌طور که ذکر آن رفت، معیار سنجش آزمون‌ها تفاوت در سطح متغیرهای تحقیق است که به تناسب سطوح متغیرها از روش‌های آماری مختلف استفاده می‌شود. لذا با توجه به این نکته فرضیات در سطور ذیل مورد سنجش قرار می‌گیرند.

جدول ۴: ضریب همبستگی و سطح معناداری بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون	نام آزمون	پیش‌بین	ملاک
تأیید	۰/۰۰۰	**۰/۲۰۸	پیرسون	مشارکت سیاسی	سرمایه اجتماعی
رد	۰/۳۷۸	۰/۰۴۴	پیرسون	مشارکت سیاسی	تعامل اجتماعی
تأیید	۰/۰۴۷	**۰/۰۹۹	پیرسون	مشارکت سیاسی	اعتماد اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۰	**۰/۲۶۳	پیرسون	مشارکت سیاسی	مشارکت اجتماعی

با توجه به نتایج محاسبات جدول ۴ و همچنین با عنایت به نوع داده‌های مورد بررسی که در دو سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، می‌توان گفت که از بین کلیه ابعاد مورد بررسی (سرمایه اجتماعی)، صرفاً یک بُعد با مقوله مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری نداشته است. طبق این جدول همبستگی مثبت و مستقیمی بین عامل سرمایه اجتماعی کل و بُعد (مشارکت سیاسی) وجود دارد. به‌طوری‌که شدت رابطه گویای یک رابطه ضعیف است. این در حالی است که در بُعد (اعتماد اجتماعی) گرچه سطح معناداری به دست آمده کوچک‌تر

از ۰/۰۵ می‌باشد و رابطه آماری تأیید شده، ولی شاهد رابطه مثبت اما خیلی ضعیف‌تر نسبت به مؤلفه مشارکت اجتماعی هستیم؛ بنابراین با توجه به محاسبات انجام گرفته در جدول می‌توان گفت که با تغییرات همزمان سرمایه اجتماعی کل و دو بُعد (اعتماد و مشارکت اجتماعی)، متغیر مشارکت سیاسی در جهت مثبت افزایش و تغییر می‌کند. ضمناً رابطه اولین بُعد سرمایه اجتماعی (تعامل اجتماعی) با مشارکت سیاسی به سطح معناداری مورد تأیید نرسیده است.

جدول ۵: مقایسه میانگین‌های مشارکت سیاسی بر حسب جنسیت

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	t	df	سطح معناداری
مشارکت سیاسی	زن	۲۰۲	۹/۲۱۰	۲/۶۵۷۲	۰/۹۶۳۴۷	۳/۵۸۶	۴۰۴/۷۶۲	۰/۰۰۰
	مرد	۲۰۵	۱۰/۱۷۴	۲/۷۶۳۰				

طبق جدول ۵ برای بررسی ادعای فرضیه فوق با توجه به سطح سنجش متغیرها و مقایسه معناداری میانگین بین دو نمونه جدا از هم از آزمون تی تست استفاده می‌کنیم. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، تفاوت معناداری بین مشارکت سیاسی پاسخگویان بر حسب جنسیت وجود دارد. بر این اساس می‌توان قضاوت نمود که فرض H_1 به تأیید رسیده است. به‌طوری‌که مقایسه میانگین میزان مشارکت سیاسی در میان دو گروه زنان و مردان نشان‌دهنده تفاوت‌هایی در این زمینه می‌باشد. بدین‌صورت که مشارکت سیاسی پاسخگویان مرد بالاتر و بیشتر از پاسخگویان زن می‌باشد.

جدول ۶: ضریب همبستگی و سطح معناداری بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

ملاک	پیش‌بین	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری	نتیجه
سن	مشارکت سیاسی	پیرسون	۰/۰۸۴	۰/۰۹۰	رد
تحصیلات	مشارکت سیاسی	پیرسون	*۰/۱۱۲	۰/۰۲۳	تأیید

همان‌طور که در خروجی رابطه آماری بین تحصیلات و مشارکت سیاسی در جدول فوق مشاهده می‌شود، معناداری رابطه بین دو متغیر مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که جهت این رابطه از نوع مثبت و مستقیم می‌باشد. شایان‌ذکر است که اگر به‌شدت همبستگی بین متغیر تحصیلات و رضایت مشتری توجه کنیم، به‌طور یقین متوجه خواهیم شد که این مقدار نشان‌دهنده وجود همبستگی خیلی ضعیف میان دو متغیر مذکور خواهد بود. به‌طوری‌که افراد با تحصیلات بالاتر، مشارکت سیاسی بالاتری خواهند داشت. درحالی‌که بین

سن و مشارکت سیاسی هیچ رابطه معناداری به لحاظ آماری مشاهده نشد. لذا می‌توان گفت که با تغییر در سن افراد، مشارکت سیاسی آن‌ها به‌طور محسوسی تغییر نمی‌یابد.

جدول ۷: مقایسه میانگین‌های مشارکت سیاسی بر حسب زبان مادری

متغیر	نوع زبان مادری	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون	سطح معناداری
مشارکت سیاسی	سیستانی	۱۰/۷۰۳۳	۲/۸۶۰۲۲	۳/۵۱۲	۰/۰۰۴
	فارسی	۹/۸۹۱۱	۲/۷۸۱۵۴		
	سایر	۹/۲۵۱۷	۲/۹۸۴۲۵		
	ترکمنی	۹/۰۴۹۰	۲/۳۷۳۰۴		
	بلوچی	۸/۹۲۸۶	۲/۱۸۲۹۶		
	آذری	۱/۰۲۸۶	۱/۸۸۵۵۰		
	کل	۹/۶۹۶۰	۱/۷۵۰۳۶		

نتیجه محاسبات آماری جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که مقدار آزمون برابر با ۳/۵۱۲ به دست آمده و سطح معناداری آن که ۰/۰۰۴ حاصل شده، حاکی از صحت وجود تفاوت‌های موجود از لحاظ آماری در جامعه مورد مطالعه دارد. بدین ترتیب فرض تحقیق تأیید و فرض صفر «بین زبان مادری با میزان مشارکت سیاسی تفاوت معناداری وجود ندارد»، رد می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر زبان مادری توانست باعث ایجاد تفاوت در میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان گردد. به‌طوری‌که طبق نتایج حاصله در جدول ۸ مشارکت سیاسی در بین پاسخگویانی با گویش مادری سیستانی، نسبت به دیگر گویش‌ها در بالاترین سطح و در بین پاسخگویانی با گویش مادری آذری در پایین‌ترین سطح قرار دارد. جدول زیر نتایج اصلی رگرسیون را نشان می‌دهند.

جدول ۸: نتایج رگرسیون چندگانه مدل تأثیر متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی شهروندان

R	R ²	R square	آماره F	سطح معناداری	متغیرهای وارد شده	B	Beta	Std. Error	T	Sig
۰/۲۸۱	۰/۰۶۳	۰/۰۹۸	۹/۵۴۱	۰/۰۰۰	مقدار ثابت	۵/۵۲۶		۱/۰۹۵	۴/۷۷۴	۰/۰۰۰
					مشارکت اجتماعی	۰/۰۵۷	۰/۳۰۶	۰/۰۱۰	۵/۴۶۹	۰/۰۰۰
					تحصیلات	۰/۳۸۱	۰/۱۸۳	۰/۱۰۴	۳/۶۶۰	۰/۰۰۰
					سن	۰/۰۲۳	۰/۱۱۹	۰/۰۱۰	۲/۳۷۰	۰/۰۱۸
					اعتماد اجتماعی	-۰/۰۰۶	-۰/۰۴۲	۰/۰۱۰	-۰/۷۶۹	۰/۴۴۲
					تعامل اجتماعی	-۰/۰۲۹	-۰/۰۳۲	۰/۰۴۴	-۰/۶۵۵	۰/۵۱۳
					جنس (۰-۱)	۰/۰۲۰	۰/۱۱۲	۰/۰۰۷	۲/۲۷۸	۰/۰۲۳
					زبان مادری (۰-۱)	۰/۰۴۱	۰/۱۹۵	۰/۰۲۱	۲/۱۶۰	۰/۰۰۵

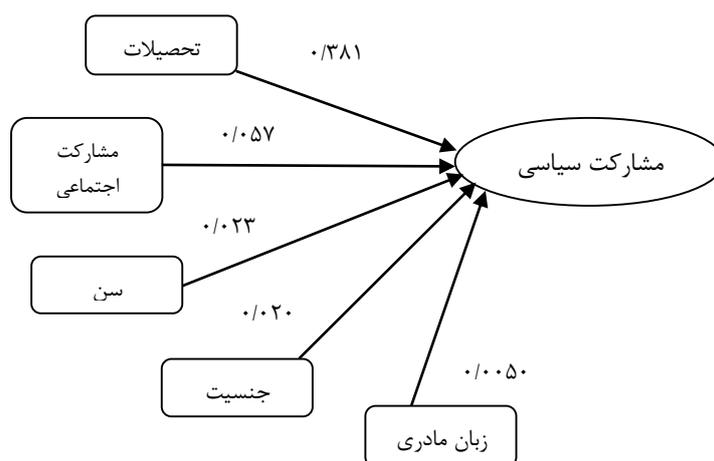
در این قسمت به منظور مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره به شیوه ENTER استفاده می‌کنیم. طبق جدول فوق، میزان همبستگی متغیرهای مستقل وارد شده در مدل با متغیر وابسته ۰/۲۸۱ می‌باشد که نشان دهنده همبستگی متوسط بین متغیرهاست. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۱۰۳ بوده است. اشکال وارد بر آن ضریب این است که تعداد درجه آزادی را در نظر نمی‌گیرد. به همین دلیل برای رفع این مشکل معمولاً از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده می‌گردد (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۷۸). همچنین بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده ۹/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌شود. به علاوه باقیمانده واریانس متغیر وابسته مربوط به متغیرهای خارج از مدل می‌باشد که در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفته است. با توجه به سطح معناداری تحلیل واریانس ۰/۰۰۰ در سطح ۹۹ درصد می‌توان گفت که برخی از متغیرهای مستقل دارای رابطه خطی با متغیر وابسته است. لذا مدل فوق از برازش مناسبی برخوردار بوده است. در خصوص برآورد ضرایب مدل می‌توان گفت که از ۶ متغیر وارد شده در معادله، تنها اثرات سه متغیر (مشارکت اجتماعی، تحصیلات و سن) معنی‌دار می‌باشد و می‌توان گفت که تأثیر ضعیفی در پیش‌بینی متغیر وابسته دارند. به علاوه اثرات مابقی متغیرهای وارده در معادله به سطح معناداری مورد تأیید نرسید. ضمناً بر اساس سطح معناداری آزمون و وزن ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا، اثر نسبی متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی به ترتیب اهمیت و شدت تأثیر مرتب شدند. به طوری که هر چه میزان بتای یک متغیر بزرگ‌تر یا به عبارتی بیشتر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است؛ بنابراین می‌توان قضاوت نمود که متغیر مشارکت اجتماعی به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیش‌بینی متغیر وابسته دارد. بر این اساس متغیر مستقل مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و پس از آن نیز متغیر تحصیلات به ترتیب اهمیت قرار می‌گیرند. لذا با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را چنین در نظر گرفت:

$$\text{(مشارکت اجتماعی)} = ۵/۳۹۷ + (۰/۰۵۷) \times \text{مشارکت سیاسی} \\ + (۰/۰۰۵) \times \text{(زبان مادری)} + (۰/۰۲۰) \times \text{(جنس)} + (۰/۰۲۳) \times \text{(سن)} + (۰/۰۲۳) \times \text{(تحصیلات)} + (۰/۳۸۱) \times$$

با توجه به معنی‌داری مقادیر ضرایب برآورد شده در جدول ۸ می‌توان اذعان نمود که فرض صفر بودن ضرایب رد می‌شود. لذا با استنباط به نتایج حاصله، مدل فوق چنین تعریف

می‌شود. ارقام مندرج در معادله حاکی از آن است که با یک واحد تغییر و به عبارت دیگر افزایش در انحراف استاندارد متغیر مشارکت اجتماعی به اندازه ۰/۰۵۷ انحراف استاندارد مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد در انحراف استاندارد متغیر تحصیلات، به اندازه ۰/۳۸۱ انحراف استاندارد مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد. به علاوه با افزایش یک واحد در انحراف استاندارد متغیر سن، به اندازه ۰/۰۲۳ انحراف استاندارد مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد در انحراف استاندارد متغیر جنسیت، به اندازه ۰/۰۲۰ انحراف استاندارد مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و در نهایت با افزایش یک واحد در انحراف استاندارد متغیر زبان مادری، به اندازه ۰/۰۰۵ انحراف استاندارد مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد.

مدل نهایی تحقیق



بحث و نتیجه‌گیری

در عصر حاضر نظر به اینکه دولت‌ها بر مفهوم توسعه و ابعاد مختلف آن متمرکز شده‌اند، برنامه‌ریزی و اقدام برای دستیابی به آن بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. در این میان همان‌طور که ذکر شد، مفهوم مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از مناقشه برانگیزترین مفاهیم در ادبیات توسعه سیاسی مطرح می‌شود؛ چراکه مشارکت و فعالیت شهروندان در امور و تصمیمات سیاسی کشور از جمله مهم‌ترین عوامل حیات و بقای نظام سیاسی موجود

می‌باشد؛ و علاوه بر این مشارکت شهروندان در امور سیاسی مشروعیت و استواری نظام را در پی خواهد داشت. پرسش اصلی این پژوهش این بوده است که آیا بین سرمایه اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آنان رابطه معناداری وجود دارد؟ با توجه به نظریه‌های نلین، رابرت پاتنام، جیمز کلن و پیربورديو می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی شهروندان در سه سطح خرد، میانه و کلان تفاوت معناداری وجود دارد و این امر در میزان مشارکت سیاسی آنان نمود می‌یابد. میانگین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان به ترتیب ۲/۶۷۴ و ۳/۴۴۲ از ۵ می‌باشد که در حد «کم» و «متوسط» ارزیابی می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز می‌توان ادعان نمود که بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد؛ در این راستا نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش (۲۰۰۲) همپوشانی دارد؛ اما این رابطه در مورد بُعد تعاملات اجتماعی با مشارکت سیاسی مورد تأیید واقع نشده است. این نتایج منطبق با یافته‌های مطالعه امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱) است که همبستگی معنادار بین متغیر اعتماد اجتماعی، به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در تحقیق حاضر را با مشارکت رسمی و غیررسمی بیان می‌کند. همچنین نتایج تحقیق حاضر با مطالعه موحد و همکاران (۱۳۸۷) نیز منطبق است. چراکه در مطالعه مذکور سرمایه اجتماعی زنان که حکایت از منابع موجود در گروه‌های اجتماعی مرتبط با آنان و گستردگی شبکه روابط اجتماعی دارد، بر میزان روی آوردن ایشان به فعالیت‌های سیاسی مؤثر بوده است. علاوه بر این امام جمعه زاده و مرندی (۱۳۹۱) در مطالعه خود نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی زنان که از منابع موجود در گروه‌های اجتماعی مرتبط با آنان و گستردگی شبکه روابط اجتماعی حکایت دارد، بر میزان روی آوردن ایشان به فعالیت‌های سیاسی مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی (جنسیت) فرض بالا بودن میزان مشارکت سیاسی مردان نسبت به زنان را تأیید نمود که این نتیجه با یافته‌های مطالعه اردکانی و قزوی (۱۳۹۳) و تیمبرلیک (۲۰۰۵) مبنی بر اینکه چون زنان در مقایسه با مردان دسترسی کمتری به سرمایه‌های اجتماعی دارند، مشارکت سیاسی کمتری هم از خود نشان می‌دهند. در مورد متغیر میزان تحصیلات نیز، این فرض تأیید می‌شود که میزان تحصیلات افراد بر میزان مشارکت سیاسی آن‌ها تأثیر داشته؛ و این تأثیر مستقیم بوده است. به‌طوری‌که با افزایش سطح تحصیلات افراد، میزان مشارکت سیاسی‌شان نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس تفاوتی معنادار میان متغیر زبان مادری و مشارکت سیاسی نیز تأیید شده است.

بر اساس نتایج مشاهده شده، میزان مشارکت سیاسی بین دو گروه قومی سیستانی و فارس بیش از سایر گروه‌ها به دست آمده است و در نهایت رابطه معناداری میان سن و مشارکت سیاسی به دست نیامده است.

با آزمون فرضیات اصلی و سنجش رابطه میان سرمایه اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن (اعتماد، مشارکت و تعامل اجتماعی) و تأیید آن‌ها، در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری نمود که رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی معنادار است. سرمایه اجتماعی در بستر شبکه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و در جریان عضویت یا فعالیت افراد در گروه‌های اجتماعی شکل و گسترش می‌یابد، می‌تواند بر میزان و جهت‌گیری مشارکت سیاسی افراد تأثیرگذار باشد. بدین معنا و در جهت پیوند سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی می‌توان گفت، سرمایه اجتماعی افراد شامل برقراری ارتباط و اعتماد متقابل به یکدیگر، وجود شبکه‌های خویشاوندی، عضویت و فعالیت در سازمان‌های داوطلبانه، مشارکت در انتخابات، عضویت در گروه‌های سیاسی و ... می‌باشد که در نهایت به افزایش میزان مشارکت سیاسی افراد می‌انجامد؛ بنابراین همچنان که از ظاهر امر برمی‌آید، می‌توان از رابطه دوسویه و متقابل سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی سخن گفت؛ به طوری که کاهش یا افزایش در هر یک از آن‌ها، به همان نسبت موجبات تغییر در مفهوم دیگر را سبب می‌شود. در این بین با برنامه‌ریزی و اقدامات مقتضی همچون رفع مشکلات اقتصادی شهروند آن که افزایش رضایتمندی آنان را در پی خواهد داشت و با به‌کارگیری روش‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی می‌توان میزان سرمایه اجتماعی را در سطح جامعه افزایش داد و هر چه بیشتر زمینه‌های مشارکت سیاسی افراد را فراهم نمود.

منابع

- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمودرضا؛ عیسی‌نژاد، امید و مرندی، زهره. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۴، ۳۴-۷.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و مرندی، زهره. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال اول، شماره اول، ۱۷-۱.
- سبزه‌ای، محمدتقی و پرویز، رحیمی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان (استان لرستان)، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره دوم، ۹۱-۷۱.
- بورديو، پی.یر. (۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: انتشارات نقش و نگار، چاپ دوم.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۷۷). دموکراسی و سنت های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- تیمبرلیک، شارون. (۲۰۰۵). «سرمایه اجتماعی و جنسیت در محیط کار»، ترجمه اکبر حسن پور و نازیلا نیاکان، تدبیر، سال ۱۸، شماره ۱۸۳، ۴۵-۴۱.
- خلفخانی، مهدی و حیدری، مرجان. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور شهرکرد»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال نهم، شماره اول، ۷۸-۴۷.
- خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۸۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مطالعه موردی استان گلستان، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- راش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- راش، مایکل. (۱۳۸۱). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- ریترز، جورج. (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زارع، بیژن و روهنده، مجید. (۱۳۹۵). «پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)»، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۵، شماره ۸، ۴۶-۲۳.
- عابدی اردکانی، محمد و قزوی، زهرا. (۱۳۹۳). «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی: مشارکت سیاسی زنان در ایران (۸۴-۱۳۶۸)»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۹۸، ۱۵۱-۱۳۸.

- علمی، زهرا؛ شارع‌پور، محمود و حسینی، امیرحسین. (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد»، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۱، ۲۹۶-۲۳۹.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). *پایان نظم*، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- کلانتری، جلیل. (۱۳۷۵). *مشارکت، استراتژی جدید در توسعه*، مترجم: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات توتیا.
- گن ذیر، ایرنه. (۱۳۶۹). *کارگردانی توسعه در جهان سوم*، مترجم: احمد تدین، تهران، نشر سفیر.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و پورنعمت، آرش. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان»، *پژوهشنامه علوم انسانی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی*، شماره اول، نیمه اول سال، ۱۹۰-۱۶۱.
- میلبراث، لستر و گوپل، لیل. (۱۹۸۰). *مشارکت سیاسی*، ترجمه: سید رحیم ابوالحسنی، تهران: انتشارات میزان.
- نیازی، محسن. (۱۳۸۱). *تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- هاشمی، سید ضیاء؛ فولادیان، مجید و فاطمی امین، زینب. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۱، ۲۲۶-۱۹۹.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). *سازمان سیاسی در جوامع دستخوش تحول*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۹). *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.
- Coleman, J. S. (1988). *The Creation and Destruction of Social Capital*, in E. L. Lesser (ed.). *Knowledge and social capital: Foundations and applications*. Boston, Ma. Butterworth Heineman.
- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*, Cambridge mass: Harvard university press.
- Fuchs, R., Ester, Robert, Y., Shapiro and Lorraine C. Minnite. (2001). *Social Capital, Political Participation and the Urban Community*, In Thompson Philip, J. and et al. *Social Capital and Poor Communities*. New York, Rusell,Sage Foundation.
- Fukuyama, F. (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, New York, NY: Free Press.
- Kowalski, K. M. (2010). "Addiction is a disease". *Current Health Kids*. 16-18.
- La Due Lake, R. and Huckfeldt, R. (1998). "Social Capital, Social Network, and Political Participation", *Political Psychology*, Vol. 19, No. 3, 29-42.
- Lin, N., Katern Cook & Ronald, S. B. (1999). *Social Capital: Theory and Research*, New York: Aldine de Gruyter.

- Putnam, R. D. (1999). *The Prosperous Community: Social Capital and Public Life*, the American Prospect, Inc.
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work*, Princeton University Press.
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions In Modern Italy*. Princeton, N.J., Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and Revival of American community*. New York, N.Y.: Simon & Schuster.
- Putnam, R.D. (2002). *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in contemporary Society*, Oxford University Press.
- Rice, Tom W, and Jeffrey, L. (2002). "Democracy, Economic Wealth and Social Capital", *Sorting Out The Causal Connections Space and Polity*, Vol. 6, No. 3, 307, 25-71.